

«ایران» از افزایش طلاق در بین میانسالان و سالمندان گزارش می دهد

جدایی خاکستری با انبوهی خاکستر

گزارش

مهسا قوی قلب

گروه اجتماعی

آمارهای رسمی سازمان ثبت احوال در سال های پایانی دهه ۹۰ به عنوان نمونه در سال ۱۳۹۷ حاکی از این بود که حدود ۶ هزار و ۳۰۰ مرد و هزار و ۹۵۰ زن سالمند به زندگی مشترک خود پایان دادند

فهیمة نظری، جامعه‌شناس و پژوهشگر حوزه خانواده درباره طلاق خاکستری به «ایران» می گوید: «در گذشته‌های نه چندان دور، طلاق در ذهن بسیاری از مردم به عنوان پدیده‌ای مربوط به سال های اول زندگی مشترک شناخته می شد، جایی که شور و هیجان اولیه جای خود را به اختلافات واقعی می دهد و زوجین به دلیل نداشتن مهارت کافی، بار زندگی را تاب نمی‌آورند. اما در سال های اخیر در ایران پدیده‌ای منظرهور و نگران‌کننده به چشم می خورد. منظور از اصطلاح طلاق خاکستری، اشاره به طلاقی است که پس از چند دهه زندگی مشترک و در میانسالی یا حتی سالمندی رخ می‌دهد. این تغییر نشان می‌دهد که بحران طلاق نه تنها در جوانی، بلکه در نیمه دوم زندگی نیز گریبان خانواده ایرانی را گرفته است.»

به گفته او، اصطلاح طلاق خاکستری (Gray Divorce) اولین بار در ادبیات جامعه‌شناسی خانواده در آمریکا رواج یافت و به جدایی زوج‌هایی اشاره دارد که بیش از ۲۰ یا ۳۰ سال از زندگی مشترک‌شان گذشته و معمولاً در دهه‌های پنجم و ششم عمرشان هستند. رنگ خاکستری استعاره‌ای از موهای سپید و دوران میانسالی است. در ایران نیز با تغییر ساختار جمعیتی و افزایش طول عمر، این پدیده به سرعت در حال گسترش است. آمار رسمی در این زمینه اندک است، اما بررسی‌های میدانی و گزارش‌های مراکز مشاوره نشان می‌دهد که سهم قابل توجهی از طلاق‌ها مربوط به زوج‌های بالای ۴۵ یا حتی ۵۰ سال است.

چرا طلاق خاکستری افزایش یافت؟

دلیل جدایی در زوج‌های جوان بیشتر نبود شناخت و نداشتن تفاهم ذکر می‌شود، اما چه عاملی میانسالان و سالمندان را بعد از چند دهه زندگی به جدایی می‌کشاند؟ نظری درباره مهم‌ترین دلایل افزایش طلاق خاکستری در ایران می‌گوید: «جامعه ایران در دهه‌های اخیر با سرعتی بی‌سابقه به سمت فردگرایی حرکت کرده است. زنان و مردان میانسال امروز، برخلاف نسل‌های قبل، دیگر تحمل یک زندگی بدون رضایت عاطفی را فضیلت

و در بیش از هزار و ۶۰۰ مورد، هر دو طرف بالای ۶۰ سال بودند. این روند در سال‌های بعد نیز ادامه یافت. در میان گزارش‌های سال‌های اخیر، رشد طلاق زوج‌هایی که بیش از ۲۹ سال زندگی مشترک داشته‌اند، به دغدغه جامعه‌شناسان و روان‌شناسان تبدیل شده است، چرا که با افزایش این قبیل طلاق‌های موسوم به طلاق خاکستری به تعداد سالمندان تنها در کشور نیز افزوده می‌شود. طبق اعلام مرکز آمار و برخی پژوهش‌های داخلی، در استان‌هایی مانند تهران، طی یک دهه اخیر نرخ طلاق در سالمندان دو برابر شده و روند افزایشی آن در سطح ملی نیز دیده می‌شود.



نمی‌دانند. ارزش‌های جدید، بر کیفیت زندگی تأکید دارد و این نگاه سبب می‌شود افراد حتی پس از نیم قرن زندگی مشترک، تصمیم به جدایی بگیرند. مورد دیگر این است که بسیاری از زوج‌ها پس از ازدواج پیش‌تر برای فرزندانشان زندگی می‌کنند، اما با بزرگ شدن فرزندان و خروج آنها از خانه، «الانه خالی» شکل می‌گیرد. بدین ترتیب ناگهان زن و شوهر درمی‌یابند که چیزی جز فرزندان آنها را کنار هم نگه نمی‌داشته است. این خلأ عاطفی و فقدان ارتباط واقعی، می‌تواند به طلاق خاکستری منجر شود.»

به اعتقاد این جامعه‌شناس، زنان ایرانی در دهه‌های اخیر وارد دانشگاه، بازار کار و عرصه‌های اجتماعی شده‌اند. بنابراین استقلال اقتصادی و آگاهی اجتماعی زنان، قبح طلاق را در این گروه کاهش داده است. زنی که درآمد دارد و هویت اجتماعی مستقل برای خود تعریف کرده، در برابر رابطه‌ای فرسایشی و بدون عشق، کمتر احساس اجبار به ماندن دارد. افزایش امید به زندگی نیز از موارد دیگر است. میانگین امید به زندگی در ایران از حدود ۵۰ سال در دهه ۱۳۵۰ به بیش

نیز دلیل دیگر است؛ نسل فعلی زوج‌های میانسال، برخلاف جوانان امروز، کمتر از آموزش‌های مهارت زندگی، کارگاه‌های مشاوره و رسانه‌های آموزشی بهره‌مند بوده‌اند. اختلافات حل‌نشده، دهه‌ها در سکوت انباشته شده و در نهایت در میانسالی به شکل انفجار بروز می‌یابد.»

به گفته این جامعه‌شناس، مطابق با رویکردهای جامعه‌شناسی، طلاق در ایران از «انحراف» به «انتخاب» تغییر معنا داده است. در واقع با تغییر ارزش‌های اجتماعی، هنجارهای سنتی کارکرد پیشین خود را از دست داده‌اند. او می‌گوید: «قبح طلاق که زمانی نظم اجتماعی خانواده را حفظ می‌کرد، در بستر ارزش‌های جدید فردگرایانه و استقلال‌طلبانه رنگ باخته است. همین‌طور، نشانه‌ها و معانی طلاق نیز تغییر یافته است. طلاق دیگر شکست نیست، بلکه برای بسیاری آزادی، شروع دوباره و انتخاب عقلانی معنا می‌شود. همین تغییر معنایی، راه را برای طلاق خاکستری هموارتر کرده است. باید یادآوری کرد طلاق خاکستری برای کسانی که در میانه راه زندگی هستند شاید در ظاهر دارای پیامدهایی از جمله احساس آزادی و رهایی است، اما در عین حال باعث تنهایی، افسردگی و کاهش حمایت اجتماعی، شوک عاطفی برای فرزندان بزرگسال، کاهش انسجام خویشاوندی و ایجاد شکاف میان نسل‌ها، افزایش بار اقتصادی بر دولت و نهادهای حمایتی، رشد خانواده‌های تک‌نفره در سنین بالا و تغییر الگوی سالمندی می‌شود.»

اما در این شرایط چه باید کرد؟ نظری توصیه می‌کند: «تقویت مشاوره‌های خانواده برای میانسالان و آموزش مهارت‌های ارتباطی در طول زندگی تأثیر مهمی در تحکیم زندگی مشترک دارند؛ همچنین رسانه‌ها هم در زمینه قبح طلاق باید کار کنند و با نگاه واقع‌گرایانه و نه صرفاً عادی‌سازی افراطی، موضوع را بازنمایی کنند. از سویی دیگر از آنجایی که

بحران طلاق به میانسالی کشیده شده، سیاست‌گذاران اجتماعی نیز باید با نگاهی تازه، خانواده را نه فقط در آغاز، بلکه در میانه و پایان مسیر زندگی حمایت کنند.»

خشونت‌های جسمی و کلامی دلیل اصلی طلاق خاکستری

محمدرضا ایمانی روان‌شناس و رفتارشناس اجتماعی نیز با بیان اینکه نرخ طلاق در دوره سالمندی همانند بسیاری از کشورهای دنیا افزایش داشته است، می‌گوید: «جمعیت سالمندی کشور در سال ۱۴۰۴ به ۱۰ میلیون و ۲۰۰ هزار نفر می‌رسد، اما در همین جمعیت، نزدیک به ۷ میلیون نفر به دلیل فوت همسر، طلاق یا ازدواج نکردن تنها مانده‌اند. مسائل و مشکلات فراوانی در این زمینه وجود دارد و می‌توان بر اساس اهمیت آنها را تحلیل کرد. اما کاهش تاب‌آوری عاطفی، اجتماعی و اقتصادی را می‌توان از مهم‌ترین عوامل مؤثر در طلاق سنین سالمندی دانست، به این معنی که افراد در شرایط سخت، سواد رابطه و درک متقابل از یکدیگر را ندارند و نحوه برخورد و ارتباط عاطفی با همسر را نمی‌دانند و پس از حتی ۳۰ سال زندگی مشترک با بزرگ شدن فرزندان مسائل به احای مختلف خود را بروز می‌دهد.»

به گفته ایمانی، بخشی از عوامل اجتماعی هم در طلاق خاکستری دخیل است. یعنی فرآیندهای زندگی به نوعی تعبیر می‌شود که افراد می‌توانند جدا شوند و به صورت مستقل برای زندگی خود تصمیم بگیرند. او می‌گوید: «در حال حاضر مردان به عنوان جریان محرک و حامی در مسائل اقتصادی خانواده نقش بزرگی دارند. دو سوی این قضیه مسأله ایجاد می‌کند، یکی اینکه فشار اقتصادی بر مردان به عنوان ثن‌آور خانواده بسیار سخت و سنگین است و با بزرگ شدن فرزندان حمایت‌های اقتصادی از آنها دشوارتر می‌شود. از سویی دیگر هم استقلال مالی است که خانم‌ها پیدا کرده‌اند و به مدد آن

جدایی را راحت‌تر می‌پذیرند و مبنای آنها بر این است که با جدایی می‌توانند زندگی مستقلی را ایجاد کنند که این خود یک مسأله و چالش بزرگ است.»

ایراد گرفتن، غرزدن و متلک‌پرانی بین زوجین زیاد است، اما در شهرهای کوچک‌تر خشونت‌های جسمی نیز وجود دارد. ایمانی می‌گوید: «نکته‌ای که باید به صورت جدی به آن توجه شود، اعتیاد پدر یا مادر یا هر دو به فرزندان است که این اعتیاد باعث می‌شود، پیوستگی عاطفی با فرزندان به نزاع‌های زوجین دامن بزند.»

سندروم آشیانه خالی

این روان‌شناس معتقد است، پذیرش طلاق در کشور بالا رفته و افراد به راحتی می‌پذیرند طلاق بگیرند، بدون اینکه به آسیب‌ها و تبعات بعد از آن فکر کنند. او می‌گوید: «در دوره سالمندی بسیاری به سندروم آشیانه خالی دچار می‌شوند که در آن از سمت خانواده و برخی مواقع جامعه طرد می‌شوند. در سنین بالا آستانه تحمل پایین می‌آید و متأسفانه افراد تصمیمات عجولانه‌ای می‌گیرند. زنان در دوره سالمندی و بازنشستگی نمی‌توانند با حضور مردان در ساعات طولانی در خانه کنار بیایند و از طرف دیگر وقتی مرد در طول زندگی مشترک نتوانسته باشد ارتباط عاطفی درستی با همسرش ایجاد کند، مشکلات و تعارضات بین آنها به میزان قابل توجهی افزایش می‌یابد. در بسیاری موارد بحران میانسالی در خانواده‌ها نادیده گرفته می‌شود. در کشور ما هم سرمایه‌گذاری درستی در این مقوله اتفاق نیفتاده است. از همان دوران کودکی باید آموزش‌های لازم در این حوزه ارائه شود تا افراد بدانند در بزرگسالی و پس از ازدواج چه مسئولیت‌ها و نقش‌هایی به عهده دارند و چگونه می‌توانند تعارضات را رفع کنند، همچنین حمایتگری را بیاموزند و در سالمندی هم عصای دست یکدیگر باشند.»



است را می‌گیرد. هرازگاهی چند نفری جلوی بساطش جمع می‌شوند، کتاب‌ها را ورق می‌زنند و قیمت می‌گیرند. او درباره قیمت پایین کتاب‌ها می‌گوید: «این کتاب‌ها برای انتشاراتی هستند که تازه شروع به کار کرده‌اند و تخفیف می‌دهند که شناخته شوند. مثلاً این کتاب ۲۴۸ هزار تومان به قیمت پشت جلد است و با تخفیف ۱۷۰ هزار تومان به فروش می‌رود.» او درباره کتاب‌هایی که به صورت تکثیر و افست چاپ می‌شوند هم توضیح می‌دهد: «متأسفانه این کتاب‌ها اثر نویسنده‌هایی است که برای تولید محتوای آن زحمت زیادی کشیده‌اند، اما بدون اجازه انتشارات و نویسنده یا مترجم اثر کتاب‌ها را چاپ می‌کنند که پیگرد قانونی دارد. کتاب باید آرم و لوگوی انتشارات را داشته باشد.» او مشخصات کتاب، فیپا، آدرس ناشر و شابک کتاب را نشان می‌دهد و می‌گوید: «فروش کتاب‌ها با چاپ زیرزمینی کار غیراخلاقی و دزدی فرهنگی است»

محمد به همراه دو دوست جوانش، چند سالی است که جلوی یکی از مغازه‌های کتابفروشی بساط کرده‌اند. هرازگاهی چند نفری جلوی بساطش جمع می‌شوند، کتاب‌ها را ورق می‌زنند و قیمت می‌گیرند. بعضی‌ها می‌خرند و بعضی‌ها فقط نگاه می‌کنند. محمد کارش را پنج سال پیش شروع کرده، از ۷ صبح بساطش را بهن می‌کند و تا ۸ شب پای بساطش می‌ایستد. «این کتاب‌ها فقط به چند دلیل خریداری و فروخته می‌شود: اول فوت فرد، دوم مهاجرت یا مسافرت، سوم کمبود فضا، چهارم تغییر تفکر و اشباع شدن از خواندن.»

دادزنی برای عقب نماندن از دستفروش‌ها

علاوه بر دستفروشان، بعضی از مغازه‌دارها که در پاساژهای قدیمی فعالیت می‌کنند نیز از این قاعده مستثنی نیستند و برای عقب نماندن از فروش کتاب‌های دست دوم، با استخدام تعدادی «دادزن» خریداران کتاب‌های دست دوم را به داخل پاساژ هدایت می‌کنند. یکی از کتابفروشان نزدیک خیابان دوازدهم فروردین ساعت‌هاست که مغازه خود را باز کرده، در حالی که به بساط دستفروشان کتاب نگاه می‌کند، می‌گوید: «اینکه دستفروشان به مردم می‌گویند کتاب‌های ما سانسور نشده، دروغ است. متأسفانه عین همان کتابی را که در کتابفروشی موجود است به شکل قاچاق و البته با کیفیت بسیار پایین‌تر تکثیر می‌کنند و بعد هم با ۵۰ درصد تخفیف به مردم می‌فروشند. در بساط‌های دست دوم فروشی‌سه نوع کتاب به فروش می‌رسد: کتاب‌های دسته دوم، ممنوعه و پرفروش که با تکثیر و کپی با قیمت کمتر فروخته می‌شوند. متأسفانه هیچ نظارتی هم نمی‌شود. هرچند من کار آنها را تأیید نمی‌کنم اما کار آنها به نوعی فرهنگسازی خواندن کتاب است.»

نیش چهارراه انقلاب - دوازدهم فروردین، مملو از بساط دستفروشان است که بیشترشان از راه فروش کتاب روزگار می‌گردانند. مهران، مرد خمیده و سیگار به دستی است که سیگار را با سیگار روشن می‌کند. حدود ۴۰ سال است که در این محل کتاب می‌فروشد. همان‌طور که جواب مشتریان را می‌دهد و دستگاه کارتخوان در دست دارد، می‌گوید: «کتاب‌هایی که ما می‌فروشیم با نمونه مشابه‌ای که در کتابفروشی‌هاست، فرق می‌کند. ما نسخه اصلی و بدون سانسور کتاب را می‌فروشیم. البته برخی از این کتاب‌ها به صورت غیرمجاز و زیرزمینی چاپ می‌شوند.»

در بین کتاب‌هایی که در بساط این دستفروش به شکلی نامنظم روی هم ریخته شده است، همه نوع کتاب به چشم می‌خورد. برخی کتاب‌ها جلد نو دارند و برخی نیز تاریخ چاپ آنها متعلق به سال‌های دور است. اما به دلیل ارزان‌تر بودن مشتریان زیادی دارند. در میان کتاب‌هایی که روی هم ریخته شده کتاب کهنه و قدیمی را نشان می‌دهد. این کتاب در سال ۵۵ توسط فردی به یکی از کتابخانه‌های شهر اهدا شده. فروشنده می‌گوید: «این کتاب‌ها متعلق به کتابخانه‌های شخصی است که به صورت کیلویی می‌خریم. قیمت این کتاب‌ها کیلویی ۲۰ تا ۵۰ هزار تومان است.»

اینجا کتاب خیلی ارزان است

یکی از بساط‌های پسر جوانی است که جلوی یکی از مغازه‌های کتابفروشی بساط کرده، چوب گردگیری از پر پرزنده در دست دارد و مدام گردو خاک کتاب‌هایی که داخل پلاستیک

کتابفروشی، گویی رونقی به این خیابان داده است؛ هر چند در بین آنها چند دستفروش لوازم التحریر، شال و روسری، شمع عود، انواع جوراب، کیف فروشی و تابلو فروش هم وجود دارد. افراد علاقه‌مند کم‌کم در مقابل بساط آنها می‌ایستند و برای خرید کتاب مورد نظرشان، کتاب‌ها را زیرورو می‌کنند.

بازار خاکستری

در میان مشتریانی که مقابل بساط کتابفروشی‌ها جمع شده‌اند، خانم میانسالی با وسواس مشغول پیدا کردن کتاب مورد نظر خود است. او می‌گوید: «قیمت کتاب خیلی بالا رفته و من هم دوست دارم کتاب بخوانم، چون قیمت این کتاب‌ها مناسب و ارزان‌تر از کتابفروشی است، می‌توانم چند کتاب بخرم، به نظر می‌رسد او از فعالان محیط زیست است چون با قاطعیت می‌گوید: «این کتاب‌ها با هزینه بالایی که طبیعت پرداخت کرده، تولید شده‌اند و تا زمان بازیافت هم هزینه‌های زیادی به دنبال دارند. بنابراین بهتر است این کتاب‌ها تا جایی که ممکن است، استفاده شوند تا به این شکل علاوه بر صرفه‌جویی اقتصادی، ضربه کمتری هم به محیط زیست وارد شود.» خانم میانسال به کتابی که در دست دارد اشاره می‌کند و می‌گوید: «کتابی که از دستفروشان کتاب می‌خرم باید تمیز و بدون خط خوردگی باشد. برخی کتاب‌ها آتقدر هایلایت یا خط خطی و کثیف هستند که انسان رغبتی به دست گرفتن آنها ندارد. بعد از خرید کتاب، حتی اگر جلد می‌کنم و بعد از مطالعه آن را به شخص دیگری می‌فروشم تا او هم بتواند از آن استفاده کند. به نظرم این شکلی کتاب‌ها در اختیار افراد مختلف قرار می‌گیرند و بی‌استفاده یک گوشه جمع نمی‌شوند.»

خانم جوانتری هم که کتابی در دست دارد و صفحات آن را مرور می‌کند، از ارزان بودن و در دسترس بودن در مهم‌ترین عامل خرید از این بساط‌ها می‌داند و می‌گوید: «قیمت پایین کتاب دلایل زیادی دارد. جنس کاغذ این کتاب‌ها معمولاً مرغوب نیست. کتاب‌هایی که از کتابخانه شخصی خریداری شده و دست دوم هستند هم معمولاً قیمت پایینی دارند. بسیاری از کتاب‌ها جلد درست و حساسی ندارند، حتی یکسری از کتاب‌ها صفحه اول ندارند و یا روی کتاب یا داخل کتاب مهر کتابخانه یا اسم شخصی هم وجود دارد.»

در بین کتاب‌هایی که در بساط این دستفروش نامنظم روی هم ریخته شده است، همه نوع کتاب به چشم می‌خورد.

برخی کتاب‌ها جلد نو دارند و برخی نیز تاریخ چاپ آنها متعلق به سال‌های دور است



گشتی در راسته دستفروشان کتاب خیابان انقلاب

بخشید؛ لطفاً ۱۰ کیلو کتاب به من بدین!

گزارش

نیلوفر منصوروی

گروه اجتماعی

تا چشم کار می‌کند، دستفروش است و آدم‌های جورواجوری که پیاده‌روه‌های این راسته را به قیقه خود درآورده‌اند. عده‌ای از قدیمی‌های این کار هستند و عده‌ای هم تازه وارد. راسته خیابان انقلاب همان‌طور که از قدیم مرکز کتابفروش‌هاست، با تاتوق دستفروش‌های کتاب هم هست. در بساط دستفروش‌های

کتاب همه جور کتابی پیدا می‌شود؛ بیشتر از همه کتاب‌های دست دوم، و به ادعای فروشنده‌گان‌شان، کمیاب و نایاب؛ کتاب‌هایی که به دلیل نوع موضوع یا دیدگاه نویسنده چاپشان متوقف شده و علاقه‌مندان دربه در دنبال همین ممنوع شده‌ها هستند. کتاب‌های درسی و تخفیف‌دار، کتاب‌های تاریخی، مذهبی، روان‌شناسی، خودشناسی، عرفانی، عاشقانه، جنایی، سیاسی و حتی گاه نسخ خطی البته اگر اصل باشند. هر چند بساط دستفروشی کتاب در حوالی میدان انقلاب پدیده جدیدی نیست و دسترسی به انواع کتاب‌ها را به آسان‌ترین کار ممکن تبدیل کرده، اما مشکل آنجاست که در بین این کتاب‌ها، کتاب‌های روز و مجوزدار نیز